

جامعه‌نگاری روستایی در منابع تاریخی عصر صفویه

* سیدسعید میرمحمدصادق

** عطاءالله حسنی

چکیده

در باب وجوه گوناگون تاریخ اجتماعی ایران پژوهش‌های اندکی انجام شده است؛ شاید یکی از دلایل آن، کم بودن منابع است که موجب شده پژوهش در این حوزه خواستاران کمتری پیدا کند. هرچند منابع درباره موضوع تاریخ اجتماعی ایران بسیار کم است، اما این مانعی برای پژوهش نبوده است، زیرا پس از استخراج رخدادهای اجتماعی از خلال وقایع‌نامه‌های سیاسی، با بهره‌گیری از منابع مکمل هم‌عصر (مانند کتاب‌های لغت، و متون ادبی، فقهی و حتی متن‌هایی در باب کشاورزی و...) و نیز سفرنامه‌ها و اسناد، می‌توان پژوهشی مطلوب در حوزه تاریخ اجتماعی و فروع این حوزه انجام داد. این مقاله درصدد است تا با نگاهی تحلیلی به منابع تاریخی دوره صفوی، جامعه‌نگاری روستایی را در این آثار بررسی کند.

کلیدواژه: تاریخ صفویه، متون تاریخی، تاریخ اجتماعی، جامعه روستایی

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱۳

* دانشجوی رشته تاریخ ایران اسلامی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات؛ تهران، ایران / smirsadeqi@yahoo.com

** استاد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) / a_hassani5@yahoo.com

پیشینه پژوهش‌های اجتماعی

هرچند در تاریخ‌نگاری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، تاریخ‌نگاران، کمابیش به داده‌های راجع به زندگی اجتماعی مردم توجهی نشان می‌دادند، اما عملاً بنیانگذاران مکتب آنال^۱ در اروپا - که در اواخر دهه ۱۹۲۰م شکل گرفت - به لحاظ پیشینه مطالعات تاریخ اجتماعی، توجه پژوهشگران را به ترکیب و تحلیل تاریخ با جغرافیا و جامعه‌شناسی برانگیختند. بدین ترتیب نقش محیط برجسته‌تر، و به زندگی مردمان فرودست توجه بیشتری شد و به نوعی تاریخ‌نگاری از پایین شکل گرفت. پس از آن، تاریخ اجتماعی به عنوان شیوه‌ای نوین و رویکردی تازه از نیمه دوم قرن بیستم به بعد در اروپا و آمریکا ظهور کرد و در سه دهه اخیر به صورت شاخه اصلی و پررونق مطالعات تاریخی درآمد. با رواج یافتن این رویکرد تازه بود که نگاه مورخان از تاریخ جنگ‌ها و اراده‌ها و اعمال مردان بزرگ، به تاریخ زندگی‌ها و رفتارهای مردم عادی جامعه معطوف شد (موسی‌پور، ۱۳۸۶: ۴۱-۱۵۵).

جامعه‌نگاری: منظور از جامعه‌نگاری در این مقاله عبارت است از یافتن هر نوع اطلاعاتی از تظاهرات مادی و غیرمادی فعالیت‌های انسانی در جامعه‌ای محدود و در دوره تاریخی مشخص؛ و نویسندگان در این مقاله صرفاً درصددند نشان دهند به چه میزان مطالب جامعه‌شناختی را - که بدون هر نوع تفسیری در خلال متون کهن جای گرفته است - می‌توان از خلال متون برکشید.

درآمد تاریخی

تاریخ سیاسی صفویان با جلوس شاه اسماعیل اول در سال ۹۰۷ق شروع و با تاج‌گذاری نادر در دشت مغان در ۱۱۴۸ق به پایان می‌رسد. در ۲۴۲ سال فرمانروایی صفویان بر سرزمین پهناور ایران رخدادهای مهم سیاسی همچون شروع عصر اکتشافات جغرافیایی، اشغال جزیره هرمز به دست پرتغالی‌ها، اعلام رسمیت مذهب شیعه در ایران، حملات مکرر ازبکان در مرزهای شمال شرقی، جنگ چالدران و آغاز درگیری‌های ایران و عثمانی در مرزهای غربی و...، به وقوع پیوست که هر کدام بنا به اهمیت خود، تأثیرات

1. Anal valves.

مهمی در زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم ساکن این سرزمین به جای گذاشت. طبیعت هر حکومتی در روزهای آغازین شکل‌گیری آن، خشونت و شدت عمل در تسخیر روستاها و شهرها و زدودن حاکمیت قبلی است؛ باستانی پاریزی این خشونت را به «خشونت مقدس» تشبیه و پیدایش سلسله‌های بزرگ و مقتدر ایران را در ابتدا به راه افتادن سیل از کوهستان تعبیر کرده است که به هیچ چیز ابقاء نکرده و بی‌دریغ همه چیزها را در مسیر خود درهم کوفته و راه را برای آیندگان هموار می‌کند و اگر جانشینان بنیان‌گذار سلسله لیاقت داشته باشند دوره‌سازی و تقویت بنیه اقتصادی مردم را شروع می‌کنند و مردم خود را سربلند می‌سازند (باستانی پاریزی، ۱۳۶۷: ۲۰). شاه اسماعیل نیز به عنوان پایه‌گذار حکومت صفویان در شروع کار خود با خشونت و تخریب کار خود را پیش برد «و شکوه شهر شاهین همتش» (حسینی قزوینی، ۱۳۱۵: ۲۴۲) را در بسیاری از شهرهای غربی در جنگ با حکام آق‌قویونلو (۹۰۸ق) و چلابیان، از ملوک محلی مازندران (۹۰۹ق)، و حکام تیموری در شرق ایران با زبان خشونت نشان داد و حکومت خود را به عموم اهالی ایران شایع کرد.^۱

شاه اسماعیل با بهره‌مندی از نیروی قزلباشان، قدرت خود را گسترش داد و قزلباش‌ها با توجه به ساختار قبیله‌ایشان - که چادرنشین و با توجه به سنت‌های ترکی و مغولی، سلوک آنان با منافع مردم ساکن در تضاد بود - از توجه به فعالیت‌های کشاورزی غافل بودند؛ لذا، تاخت و تاز و تاراج اموال مردم بومی ویژگی بارز نخستین سال‌های حکومت صفویان در شهرها و نواحی درگیر با قدرت‌های حاکم بود (سابتلی، ۱۳۷۸: ۲۲۰).

در این زمان و با توجه به رخدادهایی که در سرزمین ایران تحت حاکمیت شاه اسماعیل برای تثبیت حکومتی با ساختار و مذهب جدید در جریان بود، نویسنده‌ای هراتی به نام قاسم بن یوسف هروری با تکیه بر سنت اندرزنامه‌نویسی ایرانی، البته نه در قالب اندرزنامه‌های مرسوم بلکه در ساختار کتابی در باب کشاورزی، با نام ارشاد الزراعة، ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از لفظ ارشاد^۲ - که صفویان به آن مفهوم سیاسی و عقیدتی تازه‌ای داده

۱. تعبیر «شایع گشت» برگرفته از متن لب التواریخ (ص ۲۴۶) پس از قتل عام مردم طبرستان است: «... و هفت هزار کس در آن حدود به قتل آمده بود، و آوازه ایشان در تمام خراسان شایع گشت».

۲. شاه اسماعیل پس از اعلام تشیع اثنی‌عشری، به عنوان مذهب رسمی کشور، برای تسریع در فراگیر شدن عقاید شیعه، از ارشاد و تعلیم بهره برد (برای آگاهی بیشتر در این باره، نک: سیوری، ۱۳۷۲: ۲۹).

بودند - به طور ضمنی به شاه اسماعیل صفوی، به عنوان مرشد کامل، متذکر می‌شود که ثبات سیاسی و کشاورزی (یا به تعبیر امروزی آن: اقتصاد) وابستگی توأمان به یکدیگر دارند.

او در مقدمه کتاب، با تعلق به قرآن (هروی، ۱۳۴۶: ۸-۹) و گردآوری برخی روایات پیامبر و حکایاتی از شاهان و عرفا و شاعران، درصدد است تا ترغیب مردمان به زراعت و احیاء و اجرای کاریزها، جویبارها و انهار را بهترین کارها معرفی کند، چون بر این باور است که نتایج آن ثمرات بسیار و فواید بی‌شمار دارد (همان، ۹-۳۴). همچنین با ذکر سخن مشهور سلطان محمد خدابنده اولجایتو (حک: ۷۰۳-۷۱۶ق) به امرای سپاهش، که تلاش‌های روستاییان را نادیده گرفته و روستاها را غارت می‌کردند (همان، ۲۵) احتمالاً درصدد است گزارشی از شیوه مواجهه با جامعه روستایی از ابتدای شکل‌گیری صفویان به مخاطبان خود بدهد (سابتلنی، ۱۳۷۸: ۲۲۷). هروی درصدد است تا زراعت را سرمایه بین نسلی و درآمد آن را گنج حکومت، و شاه را موظف به حمایت از رعایا برای رسیدن به این گنج معرفی کند (نک: هروی، ۱۳۴۶: ۱۳-۱۴، ۲۳-۲۴).

با این مقدمه، نویسندگان درصددند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند که در متون تاریخی دوره صفوی، به چه میزان رخدادهای اجتماعی و به‌ویژه رخدادهای جامعه روستایی ذکر شده است؟ و تا چه اندازه این منابع در تحقیقات اجتماعی کارگشایند؟ به هر روی این یافته‌ها در تلفیق با یافته‌های دیگر از سایر منابع ادبی، علمی، فقهی و... که از دوره صفوی بر جای مانده است، به پژوهشگر کمک کند تا با تبیین مطالب به دست آمده، به منظر اجتماعی این دوره دست یابد.

برای دستیابی به موضوعات اجتماعی در بحث بهره‌گیری از منابع تاریخی - البته عمدتاً متون رسمی دوره صفوی و فارغ از ساختار عمومی، سلسله‌ای، سلطانی و محلی این منابع - به چند نکته باید توجه کرد:

۱. توجه به روند کلی تحولات تاریخی اجتماعی صفوی؛ به طوری که از تأسیس این سلسله تا اواخر دوره شاه تهماسب اول، دوره تسلط دین‌سالاری یا ایدئولوژی است و مبانی ایدئولوژیکی و صبغه دینی خمیرمایه اصلی تاریخ‌نگاری است و عناصر دیگر، از جمله مسائل اجتماعی، تحت‌الشعاع ایدئولوژی است. از اواخر عصر شاه تهماسب اول تا پایان

دوره شاه عباس اول، دوره آرامش و امنیت است؛ دوره‌ای که حاکمیت از تبوتاب تثبیت حکومت فارغ شده است و به همین دلیل، مسائل اجتماعی در منابع رسمی این دوره انعکاس بیشتری نسبت به منابع دوره اول دارد. دوره سوم، دوره پس از عصر شاه‌عباس اول، دوره انحطاط تدریجی صفویان است که آثار مورخان این دوره هیچ‌گاه نتوانست وجوه فکری و اندیشگی دو دوره قبل از خود را تکرار کند. تنها شاخصه مهم دوره سوم نگارش منابعی است که در ادوار پیشین مورد توجه قرار نگرفته بود؛ منابعی که بیشتر به نظام اداری جامعه و حکومت پرداختند که اطلاعات ارزشمند حکومتی و اجتماعی خوبی می‌توان از آن به منابع به دست آورد (آرام، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۳).

۲. بر اساس پژوهش‌هایی که در باب اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی انجام شده است میزان توجه مورخان عصر صفوی به مسائل اجتماعی از الگوی ساختار هر می‌شکل آن جامعه تبعیت می‌کند. به تعبیر دیگر الگوی اجتماعی هر می به شدت سیاسی است و اقشار مختلف جامعه بر اساس میزان دوری و نزدیکی با کانون قدرت و برخورداری از قدرت و منزلت سیاسی، منزلت اجتماعی پیدا می‌کنند و به همان نسبت مورد توجه مورخان قرار می‌گیرند. لذا، در این الگو، شاه که افزون بر منزلت سیاسی، از منزلت‌های دینی - عقیدتی و اقتصادی به عنوان اهرم بهره‌مند بود، و نیز خاندان سلطنتی، در رأس این هرم هستند؛ پس طبیعتاً بیشتر وقایع در منابع رسمی عصر صفوی در باب شاه است و سایر موضوعات و مسائل اجتماعی همچون جمعیت، دسته‌بندی‌های اجتماعی و رخداد‌های ایلات، بنا به اهمیتی که نسبت به شاه و وقایع مرتبط با او دارد در ذیل شاه موضوعیت پیدا می‌کند. به همین قیاس مسائل طبقات اجتماعی فاقد منزلت و قدرت اقتصادی، مانند مردم فقیر شهری و روستایی، تنها زمانی که تهدیدی را متوجه کانون قدرت می‌کردند، طرف توجه مورخان قرار می‌گرفتند (نک: همان، ۱۹۲).

۳. هر چند نویسندگان منابع رسمی صفوی به دلایل گوناگون، از جمله پایگاه اجتماعی، طایفه‌ای، سیاسی و دینی‌شان، با عناصر حکومتی از جمله شاه و شاهزادگان و حکام ایالات مرتبط بودند و این ارتباط موجب نقض بی‌طرفی آنان در نوشتن و تحلیل وقایع می‌شد، اما باید به دو نکته توجه کرد: نخست این که نقض بی‌طرفی مانع ثبت حوادث و تحولات و از جمله قیام‌های ضد حکومتی توسط آنان نبود؛ دیگر این که مورخ به دلیل دسترسی به برخی

اسناد حکومتی و دیدن و شنیدن برخی از رخدادهای، تا اندازه‌ای نیاز پژوهشگر را در تحلیل و استفاده از داده‌های تاریخی رفع می‌کند (نک: همان، ۴۷-۴۹).

۴. آخرین نکته این‌که حرکت‌های اجتماعی، تغییرات تاریخی و عادات و آداب و رسوم در خلال سده‌ها و هزاره‌ها به‌کندی صورت پذیرفته است (شعبانی، ۱۳۹۲: ۷۳)؛ به عبارت دیگر، تاریخ اجتماعی تحولات کوتاه‌مدت ندارد، لذا تغییرات تاریخ اجتماعی ایران دست‌کم تا اواخر قاجار به‌ندرت بوده است؛ پس، دیگر منابعی که برای شناخت جامعه روستایی مهم باشد - ولو با فاصله‌ای در حدود دو سده - می‌تواند برای مقایسه با منابع صفوی، مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به نکات فوق، نویسندگان درصددند تا متون تاریخی دوره صفوی را، با تأکید بر شناخت جامعه روستایی، مورد مذاقه و بررسی قرار دهند.

۱. تواریخ عمومی

حبیب السیر فی اخبار افراد بشر از مهم‌ترین تواریخ عمومی دوره صفوی است که به دلیل هم‌زمانی مورخ با رخدادهای اواخر تیموری و ابتدای صفویان، به‌ویژه در باب تحولات شهر هرات - که بیشتر در جزء چهارم از مجلد سوم بازتاب داشته است - اهمیت ویژه‌ای برای پژوهشگران تاریخ ایران دارد؛ خواندمیر این کتاب را در فاصله ۹۲۷ تا ۹۳۰ ق نوشته است.

هرچند نویسنده در این مجلد بیشتر به وقایع سیاسی عصر شاه اسماعیل و تثبیت قدرت او می‌پردازد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۴/۳۹۳-۴۰۵، ۴۴۱-۶۰۲) اما در خلال وقایع، از تأثیر جنگ‌ها و طغیان‌ها بر جامعه شهری و روستایی، دستیابی به برخی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستایی، شیوه‌های بهره‌برداری زمین همچون تیول، و گزارش از تأثیر مخرب قحطی (با توجه به این‌که نویسنده قحطی عظیمی را طی دو سال ۹۲۱-۹۲۲ ق در هرات دیده بود) نکات سودمندی برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی دارد.

لب التواریخ، از تواریخ عمومی دوره صفوی است؛ قسم چهارم، که بخش پایانی این کتاب محسوب می‌شود، در باب پادشاهان صفوی است. حسینی قزوینی این کتاب را در سال ۹۴۸ ق نوشته (حسینی قزوینی، ۱۳۱۵: ۲۶۳) و در برخی سفرهای شاه اسماعیل با او

بوده است (همان، ۲۴۶). کتاب مختصر است و در باب وقایع سیاسی و تثبیت قدرت شاه اسماعیل و صفویان نگاه ایدئولوژیک دارد.^۱ در باب اتفاقاتی که رأس هرم قدرت در سطوح جامعه ایجاد می‌کند، از جمله قتل عام‌های چلابیان در ۹۰۹ق در مازندران، کشتار هفت‌هزار نفر از مردم طبرستان در طی یک هفته در سال ۹۱۰ق، و رفتاری که در سال ۹۱۱ق در همدان با کسانی که پیش‌تر با پدرش در جنگ بودند، می‌توان به نکات تحلیلی جامعه‌شناختی در شروع و تثبیت حاکمیت‌ها دست یافت. (نک: همان، ۲۴۴، ۲۴۶-۲۴۷)

تکملة الاخبار عبدی بیگ شیرازی (نویدی) رخدادهای عهد صفوی را تا سال ۹۷۸ق آورده است. نویسنده رویکردی عقیدتی و مبالغه‌آمیز^۲ دارد (۳۷-۳۸). او در کتابش از کشتار مردم کازرون در ۹۰۹ق، وضعیت تیول‌ها و سیورغالات^۳ و اگذارشده، مناطق اسکان قزلباش‌ها، گزارش برخی حوادث همچون قحطی‌های هرات در ۹۲۰ق و ۹۳۵ق، طاعون تبریز در ۹۴۰ق، زلزله مشکین در ۹۷۴ق، شرح طغیان‌های داخلی و حملات خارجی به مرزهای ایران، و شکار اسب و معرفی برخی از اسب‌ها (نک: شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۲، ۴۵، ۵۱، ۶۴، ۷۵، ۷۹، ۱۳۰) مطالب سودمندی دارد.

جواهر الاخبار، اثر بوداق منشی قزوینی، از منشیان و دیوانیان صفوی است که وقایع و حوادث جهان را از آغاز آفرینش تا سال ۹۸۴ق نوشته است (نک: قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۸۷-۱۸۸) نویسنده در این کتاب مطلبی به نقل از پیران روزگار در باب مظالم یوسف بیگ بایندری در شهر قزوین دارد که برای توصیف مظالمی که در تهاجمات به شهر و به‌ویژه روستا می‌شده بسیار مفید است. همچنین، مطلبی به طعنه در باب ارزش تومان در زمان آق‌قویونلوها و صفویان آورده است که در آن زیرکانه، وضعیت رفاه اقتصادی و عدالت اجتماعی دوره شاه تهماسب اول را نقد و ضعف ساختار دیوانی صفویان را نشان می‌دهد. نویسنده به برخی از مشاغل خود در نواحی خراسان اشاره می‌کند که حائز اهمیت است (نک: همان، ۸۹-۹۰، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۸۹-۱۹۰).

۱. او در تعریف این خاندان می‌نویسد: «پادشاهان دودمان ولایت و خاندان امامت و هدایت رفیعة عالیة صفویه» (همان، ۲۳۵).

۲. برای نمونه، عبدی بیگ، شاه اسماعیل را ملهم از الهامات غیبی دانسته، و داستان او را با خاتم پیامبران تطبیق داده و ظهور او را مقدمه ظهور صاحب‌الزمان دانسته است.

۳. واژه ترکی، به معنی عواید زمین که به‌جای حقوق یا مستمری به اشخاص بخشند.

فتوحات شاهی، تألیف صدرالدین ابراهیم امینی هروی، به تاریخ صفویه از آغاز تا سال ۹۲۰ ق پرداخته است. اگر چه کتاب ناتمام است، اما از نخستین و بارزترین نمونه‌های تاریخ‌نگاری عصر صفویه است که در سال‌های سلطنت شاه اسماعیل اول نوشته شده است و به دلیل پرداختن به حوادث دوران پیش از تشکیل صفویه، به‌ویژه مبارزات این خاندان برای کسب قدرت تا اوایل سلطنت شاه اسماعیل اول، درخور توجه است. کتاب، شامل دو دفتر است: دفتر اول از آفرینش آدم و نیاکان پیامبر تا زمان شاه اسماعیل و دفتر دوم شامل رویدادهای دوره شاه اسماعیل تا حوادث تاریخی سال ۹۲۰ ق. کتاب تبویب و فصل‌بندی خاصی ندارد (نصیری، ۱۳۸۳: بیست و پنج). نویسنده به شاه اسماعیل و صفویان باورمند بوده است و با تأویل آیات قرآن، درباره طلوع قدرت او قلم‌فرسایی کرده و شاه اسماعیل را با پیامبران مقایسه نموده است (نک: امینی هروی، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۸، ۶۱-۶۲). او افزون بر نحوه سرکوب کردن طغیان‌ها، به آبادانی‌های شاه اسماعیل، گزارشی از بزرگترین شکار جرگه که هم‌زمان چند ایالت را در بر می‌گرفته و به نوعی روستایی‌ها موظف به حضور در این شکارها بودند، بازگرداندن املاک هرات به مالکانش پس از حضور شاه اسماعیل در هرات، و اشاره به برخی اصطلاحات کشاورزی (همچون یک جفت زراعت^۱، مزارعان، دهاقین) پرداخته که برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی روستایی مفید است (نک: همان، ۱۱، ۱۸، ۲۴۹، ۲۵۸-۲۵۷، ۲۵۷-۲۵۲، ۲۹۶، ۳۵۸-۳۶۱).

تاریخ ایلچی نظام‌شاه، نوشته خورشاه الحسینی از نویسندگان دربار قطب‌شاهیان در گلکنده است. تاریخ خورشاه و تاریخ قطبی نام‌های دیگر این کتاب است. کتاب در هفت مقاله نوشته شده که مقاله ششم آن در پنج گفتار در باب فرمانروایی قراقویونلوها، آق‌قویونلوها و صفویان تا شاه تهماسب و حکام محلی در شروان، گیلان، طبرستان و خوزستان و سلاطین عثمانی است (صفا، ۱۳۷۰: ۱۶۵۶-۱۶۵۷). اهمیت مقاله ششم به دلیل حضور نویسنده در اردوی شاه تهماسب است. نویسنده از کوچ‌های اجباری، حکام محلی و اقدامات آنان، اقطاع‌داران، وضعیت سیورغال در دوره تهماسب اول، اسبان خاصه شاهی، تخریب محصولات و روستاها در حملات خارجی به مرزهای شرقی، تأمین نیروی

۱. دو گاو که بدان‌ها زمین را شیار کنند.

جنگی از میان الوسات و احشامات و ... مطالب سودمندی ارائه می‌کند (نک: خورشاه، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۴، ۶۱، ۸۵، ۹۶، ۱۱۹).

احسن التواریخ، تاریخی عمومی است که حسن بیگ روملو، نبیره امیر سلطان روملو، آن را در ۹۸۰ق، نوشته است. از این کتاب، مجلدات یازده و دوازده آن - شامل رخدادهای سال‌های ۸۰۸ تا ۹۸۳ق - باقی مانده است. نویسنده قورچی بود و از ۹۴۸ تا ۹۸۰ق همراه شاه تهماسب در همه سفرها حضور داشت (نک: روملو، ۱۳۵۷: ۱۰، ۳۸۹، ۴۵۸)؛ لذا افزون بر اطلاعات از لشکرکشی‌های سپاه صفوی، خواننده را از میزان بالای تلفات اسب و استر و تأثیر بدی که لشکرکشی‌های نظامی در کمبود آذوقه در شهرها و روستاها می‌گذارند، آگاه می‌کند (نک: همان، ۱۱۴، ۳۲۶، ۴۰۹). برخی رخدادهای این کتاب، از جمله جنگ جام، محاصره هرات، وقایع مربوط به فرار بهرام میرزا از گیلان در ۹۴۴ق، و یا برخی طغیان‌ها، شنیده‌های او از افرادی است که اطلاعات نسبتاً دقیقی داشته‌اند (نک: همان، ۳۱۸، ۳۵۰، ۳۶۲، ۳۶۷-۳۶۹، ۳۸۰-۳۸۱). درباره حیات روستایی، محصولات نواحی گوناگون ایران و نیز برخی مهاجرت‌ها و استقرار طوایف در این نواحی، و حوادث طبیعی همچون طاعون و زلزله، اطلاعات سودمند، اما اندکی از کتاب می‌توان کسب کرد (نک: همان، ۴۲، ۷۶، ۵۳، ۶۱، ۱۴۵، ۲۰۳، ۵۹۱).

خلاصه التواریخ، اثر قاضی احمد قمی، پنج مجلد بوده که چهار جلد آن تاریخ بشر از آدم تا ظهور صفویان و مجلد پنجم آن در باب تاریخ صفویه است که البته فقط جلد پنجم آن موجود است (قمی، ۱۳۸۳: ۲/۱-۳). نویسنده از منشیان حکومتی است، لذا درباره نظام‌ها و اصطلاحات مالیاتی و زمین‌داری، اختلافات درون حکومت به‌ویژه در دوران مرگ تهماسب و روزگار سلطان محمد خدابنده، اوضاع کشاورزان در جنگ‌ها، قحطی‌ها و بیماری‌ها، ظهور قلندران پس از مرگ اسماعیل دوم - که مردم عمدتاً در نقاط دور، به‌ویژه در روستاها به دلیل عدم آگاهی از اوضاع پایتخت، تحت تأثیر این قلندران قرار می‌گرفتند - درگیری‌های درون قزلباشان، گزارش از برخی خشکسالی‌ها، میزان تولید گندم در برخی شهرها و برخی اطلاعات درباره شهر قم (زادگاه مؤلف)، نکات ارزشمندی دارد (نک: همان، ۶۰۱/۱-۶۰۷؛ ۶۲۴/۲ - ۶۲۵، ۶۵۹ - ۶۶۰، ۶۸۱، ۶۸۹، ۷۰۱، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۵۷-۷۵۸، ۹۲۰، ۱۰۹۱).

ریاض الفردوس الخانی تألیف محمد میرک حسینی، هم تاریخی عمومی از زمان پیشدادیان تا دوره شاه سلطان سلیمان صفوی است. نویسنده در بیشتر بخش‌های دوره اسلامی به رویدادهای فارس، کوه‌گیلویه و خوزستان توجه دارد. کتاب دارای یک خطبه، یک فاتحه، دوازده روضه و یک خاتمه است (نک: حسینی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۵). بخش آغازین این کتاب با عنوان فاتحه پس از خطبه مؤلف دربارهٔ ابنیه و امکانهٔ بلاد است که دربارهٔ اوضاع جغرافیایی طبیعی، انسانی و اقتصادی با ذکر تنوع محصولات نواحی فارس، کوه‌گیلویه و خوزستان، از جمله در باب الوار ممسنی، کشاورزی در اطراف کارون، نشان دادن مسیر احشام در حدود رامهرمز، تنوع گل‌های کازرون و نرگس‌زارهای بهبهان، محصولات باغی شهرهای مختلف فارس و اصفهان و خوزستان و ... (نک: همان، ۲۵-۵۴)، و در بخش تاریخ صفویان دربارهٔ طغیان قلندران در کوه‌گیلویه، طغیان اعراب خوزستان، سپاهیان چریک که از روستاها تامین می‌شدند، میزان روغن ایتاعی و ...، اطلاعات سودمندی دارد (نک: همان، ۴۱۴-۴۲۰، ۴۳۲-۴۳۳، ۴۳۸، ۴۴۰-۴۴۱).

زبده التواریخ مستوفی، دیگر تاریخی عمومی است که مؤلف آن، مستوفی سرکار فیض‌آثار بود و به همین خاطر، تقسیم‌بندی فصول کتابش به شیوهٔ ضابطهٔ دفتری و سیاق با عناوین «مفرده، من ذالک و الباقی» است. محتوای کتاب شامل تاریخ انبیا و امامان شیعه، خلفای اموی و عباسی، سلاطین و پادشاهان ایران پیش از اسلام، سلسله‌ها و حکومت‌های کوچک و بزرگ ایران پس از اسلام تا عهد صفویان، و سرانجام تاریخ صفویه از روزگار شیخ صفی تا زمان شاه عباس سوم و مدعیان منتسب به صفویه را در بر می‌گیرد. عموم سلسله‌های یاد شده در این کتاب به اختصار درج شده و گاه فقط به نام پادشاهان اکتفا شده است (نک: مستوفی، ۱۳۷۵: ۲۹، ۳۶-۴۰).

کتاب با وجود اختصار، افزون بر بیان ناملازمات سیاسی اواخر حکومت شاه سلطان حسین، دربارهٔ برخی رخداد‌های اجتماعی، همچون کوچ آرامنه به مشهد، کوچ اکراد و ایلات عراق و آذربایجان، سیورغالات علما، بافت پیرامونی برخی قریه‌ها، طغیان میرویس و حملات محمود و نیز محاصره و سقوط اصفهان، و میزان مرگ‌ومیر پایتخت در حین محاصره، اطلاعات سودمندی دارد (نک: همان، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۳-۱۳۶، ۱۴۳، ۱۶۷-۱۶۹).

۲. تواریخ سلسله‌ای (دودمانی)

نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، نوشته افوشته‌ای نطنزی، کتابی مهم است در باب حوادث مرگ تهماسب اول و دوران پراشوب سلطان محمد خدابنده و به سلطنت رسیدن شاه عباس. نویسنده برخی رخدادها را یا دیده، یا از دیگران شنیده و یا از اسناد حکومتی بهره برده است. افزون بر ثبت رخدادهای تاریخی، نویسنده مطالبی درباره طغیان‌های گیلان، تراج مردم افوشته و کاشان به دست ترکمان‌ها، سرکوب فرقه‌های مذهبی و قتل عام افرادی که با نام شاه اسماعیل دوم قیام کردند، آسیب‌های انسانی به باغات، تصرف زمین‌های مردم توسط برخی قزلباشان، ذکر حوادث طبیعی همچون زلزله و سیل و سرمازدگی، انتقال درختان از زمینی به زمین دیگر، قیمت غلات در برخی نواحی، و کاربرد برخی اصطلاحات کشاورزی (همچون آگر^۱، بازیار^۲، مصالح الاملاک^۳ و...) مطالب سودمندی برای تحلیل تاریخ اجتماعی این دوره دارد (نک: افوشته‌ای، ۱۳۷۳: ۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۳، ۲۳۰-۲۳۱، ۲۴۰، ۳۰۰، ۵۲۸-۵۳۰).

تاریخ عالم‌آرای عباسی از مهم‌ترین آثار تاریخ صفویه است که اسکندربیک منشی، در سال ۱۰۲۵ق نگارش آن را آغاز کرده است (نک: اسکندربیک، ۱۳۸۰: ۴/۱، ۶۸۹/۲). نشر او در نگارش کتاب منشیانه، و به لحاظ در برداشتن اطلاعات گسترده از رخدادها تاریخی، به‌ویژه از اواخر دوره شاه تهماسب - که خود ناظر این رویدادها بوده - تا پایان زندگانی شاه عباس، این کتاب در حوزه پژوهش‌های تاریخ اجتماعی صفوی در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرد. افزون بر آگاهی از زمینه‌های طغیان‌های روستایی و اختلافات حاکمیت، می‌توان از محال وقفی چهارده معصوم، گزارش از برخی ایلات و جمعیت و محل اقامت آنان، سیورغالات سادات و حکام، وقوع قحطی‌ها در گیلان و عراق و آذربایجان و قراباغ، اردوهای نظامی و شیوه حرکت آنان، گزارش‌هایی در باب کوچ‌های اجباری، تنوع مالیات‌های روستاییان به‌ویژه مالیاتی که قبایل به جهت دفع مضرات باید پردازند، اصطبل‌های سلطنتی و معرفی برخی مناطق پرورش اسب در ایران، تأثیر خشکسالی‌ها و

۱. کشاورزی زمین که روی زمین دیگران کار کند.

۲. برزگر، دهقان، زارع، کشاورز.

۳. ابزار و بذر کشاورزی.

سرماهای زمستان بر حیوانات باربر، تمهیدات حکومت در جنگ‌ها برای کمتر آسیب دیدن محصولات و ... آگاهی‌های سودمندی به دست آورد (نک: همان، ۱/۱۵۰، ۱۹۶-۱۹۷، ۲۰۲، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۵۴، ۳۴۷، ۳۵۳، ۴۴۳، ۴۴۰، ۴۷۲، ۵۱۲).

تاریخ جهان‌آرای عباسی، نوشته وحید قزوینی، وقایع‌نگار دوره شاه عباس دوم و صدر اعظم شاه سلیمان و شاه سلطان حسین است. نویسنده، به تقلید از عالم‌آرای عباسی، در صدد نگارش تاریخ دودمان صفویه است. کتاب او یک مقدمه و سه باب دارد: باب اول، درباره تبارشناسی صفویه از امیر فیروزشاه زرین‌کلاه تا سلطان حیدر است؛ باب دوم در شش فصل، شامل پادشاهی شاه اسماعیل اول تا پایان دوره شاه صفی و باب سوم درباره ۲۲ سال از حکومت شاه عباس دوم (نک: وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۲).

هرچند کتاب بیشتر درباره وقایع سیاسی صفویان، اعم از حملات خارجی به مرزها و طغیان‌های داخلی و آثار مخرب آن در روستاها و ایلات است (نک: همان، ۲۳۷، ۲۶۶، ۲۸۹، ۲۹۴، ۴۰۵-۴۰۰، ۵۷۶-۵۷۷، ۶۱۱)، اما می‌توان اطلاعات سودمندی درباره زندگی اجتماعی مردم، به‌ویژه روستاییان و کوچ‌روها، از خلال این حوادث استخراج کرد. افزون بر این، کتاب در باب تخریب نخیلات و باغ‌ها در پی توسعه شهر، شکار جرگه^۱ (که بخش عمده‌ای از نیروهای روستایی درگیر آن می‌شدند) و شکار با دام‌گذاری طناب‌های کنفی (که از مقدار کنف تهیه شده می‌توان میزان سالانه تولید آن را در مازندران و گیلان حدس زد)، مشکلات و درگیری‌های مردم به دلیل نبود ثبت رسمی حدود و ثغور املاکشان به هنگام سیل‌های مخرب، جشن‌ها و آذین‌بندی و وسایل مصرفی آن، آتش‌بازی در جشن‌ها، سدبندی بر روی زاینده‌رود برای توسعه کشاورزی، پرورش اسب در بابا شیخعلی و گندمان و ... اطلاعات مفیدی دارد (نک: همان، ۲۲۱، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۹۸، ۵۸۴-۵۸۵، ۶۹۳).

۳. تواریخ سلطانی (تک‌نگاری سلطانی)

تذکره شاه طهماسب، نوشته شاه طهماسب اول است. او سوانح شصت و نه سال از

۱. نوعی شکار که عده‌ای سپاهی یا شکارچی در صحرا شکار را محاصره کنند.

زندگی‌اش را از بر تخت‌نشستن در ۹۳۰ق تا پناهنده شدن بایزید عثمانی در ۹۶۹ق به دربارش نوشته است. هدف نویسنده - آن‌گونه که خود نوشته است - بر جای گذاشتن دستورالعملی به یادگار برای فرزندانش بوده است (نک: شاه تهماسب، ۱۳۶۳: ۲). شورش شاهزادگان و سرکشی امرای قزلباش، که شاه تهماسب بنا به نوشته‌اش سیاست صبر در برابر آنان در پیش گرفته بود، و نیز بهره‌گیری از سیاست زمین‌های سوخته در جنگ با عثمانی‌ها، و تاخت و تازهای ازبکان در مرزهای شرقی (نک: همان، ۵، ۹، ۱۱، ۱۵، ۳۳، ۴۰، ۴۲، ۶۵ - ۶۶)، همگی مواردی است که در این کتاب، آسیب‌های انسانی به روستاها را نشان می‌دهد.

فتوحات فریدونیه، نوشته محمدطاهر بسطامی، کتابی است درباره لشکرکشی و فتوحات فریدون‌خان چرکس (امیرالامرای استرآباد، مازندران، بسطام، دامغان، گرایلی، کبود جامه و درون) در سرکوب طغیان ترکمانان و ایجاد اختلاف و نفاق بین سران یموت و گوکلان در سال ۱۰۱۵ق در نواحی استرآباد. بسطامی، کتابش را که دارای مقدمه، بیست فتح و خاتمه است، بنا به فرمان فریدون‌خان، در بازگشت از زیارت مشهد به موطن خود، در ۱۰۲۲ق نوشت (نک: بسطامی، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۲، ۲۴).

کتاب افزون بر آگاهی درباره استقرار طوایف ترکمان و شاخه‌های آن در جنوب شرقی مازندران و استرآباد و سیاست نظارت بر آنها توسط حکومت مرکزی، به اوضاع اجتماعی ترکمانان، از جمله مراسم عروسی آنان و آداب و رفتار روستاییان اشاراتی دارد (نک: همان، ۵۴، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۶۳، ۱۷۴).

فتوحات همایون، تألیف نظام‌الدین علی شیرازی معروف به سیاقی نظام است. پس از آنکه الله‌وردی‌خان - قوللر آقاسی شاه عباس - طایفه افشار کوه‌گیلویه را در سال ۱۰۰۴ق مطیع خود کرد، سیاقی نظام به اسارت او درآمد. پس از دو سال، که شاه عباس عازم فتح خراسان بود، او با تعدادی دیگر از نویسندگان، مأمور نوشتن وقایع شد. او تاریخ بازپس‌گیری خراسان از اشغال ازبکان را می‌نویسد و چون فتح خراسان سال دوازدهم جلوس شاه عباس بود، از این جهت کتابش را فتوحات همایون نام نهاده است که عدد حروف آن دوازده است و به حساب ابجد ۱۰۰۷ق می‌شود (نک: شیرازی، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۹، ۸۴، ۸۹). کتاب با پرداختن به طغیان برخی طوایف داخلی و حملات خارجی به مرزهای

شرقی، در باب آسیبی که طی این طغیان‌ها و حملات به روستاها وارد می‌شود، مطالب مفیدی دارد (نک: همان، ۱۰۴، ۱۱۲-۱۱۳).

تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال منجم، از ملاجلال منجم یزدی است. کتاب نثری ساده دارد و به رخدادهای اواخر حکومت شاه تهماسب تا سال ۱۰۲۰ق، یعنی اواخر بیست و پنجمین سال سلطنت شاه عباس اول می‌پردازد. از نکات مربوط به وجوه اجتماعی کتاب می‌توان به تاراج دام‌های روستاییان توسط راهزنان و آسیب‌هایی که به آنان وارد می‌شد، کمبود آب و درگیری روستاییان بر سر آب، توسعه راه‌ها، خرید و فروش زمین‌های زراعی و تخریب باغ‌ها در جنگ‌ها، پاکسازی و احیای کاریزها، انتقال آب کوه‌رنگ به زاینده‌رود، کوچ اجباری ایلات، آبداری در کویر برای شترها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ... اشاره کرد (نک: منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۷۵، ۱۱۷، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۸۵، ۱۹۲، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۳۸، ۲۴۴، ۳۵۸).

خلاصه السیر، نوشته خواجه اصفهانی، مهم‌ترین اثر مستقل درباره شاه صفی است که نثری ساده و بی‌تکلف دارد. شغل مؤلف در روزگار شاه عباس اول اشراف شترخان در اردوی سلطنتی بود که پس از دوازده سال به اشراف طویله رسید. او در روزگار شاه صفی به دلیل تصدی برخی مناصب دولتی، شاهد عینی حوادث بوده است. خواجه اصفهانی در ۱۰۴۸ق همراه شاه صفی در طاق بستان بود که سخت بیمار شد و پس از بهبودی این کتاب را نوشت (نک: خواجه، ۱۳۶۸: ۲۷-۲۸، ۳۱۱-۳۱۲).

مؤلف ضمن پرداختن به طغیان‌های داخلی همچون قیام غریب‌شاه گیلانی و حملات قلماق‌ها و قزاق‌ها و نیز تأثیر مخرب جنگ‌ها بر روستاها، نکته‌های مفیدی درباره مسائل مدنی و اجتماعی صفویه دارد، از جمله فروش ابریشم و اسب، معرفی همدان به عنوان یکی از مناطق پرورش اسب، منع تنباکوکشی، هزینه انتقال آب کوه‌رنگ، انواع شکارهای شاه، میزان مالیات سالیانه برخی ایالات و ... (نک: همان، ۳۹، ۴۱، ۴۹-۵۴، ۶۲، ۶۵-۶۷، ۷۰، ۸۳، ۸۸، ۱۷۱).

دستور شهریاران نوشته محمدابراهیم نصیری است. هرچند نویسنده فقط رخدادهای شش‌ساله ابتدای سلطنت شاه سلطان حسین از سال ۱۱۰۵ق تا ۱۱۱۰ق را نوشته است، اما با وجود این اختصار، از رهگذر این کتاب می‌توان، افزون بر اطلاعاتی راجع به شورش‌های مکرر بلوچ‌ها در نواحی سیستان و کرمان، انوشه‌خان والی خوارزم، سلیمان کرد،

فرج‌الله خان والی خوزستان (نک: نصیری، ۱۳۷۳: ۶۰، ۶۴-۶۵، ۸۳-۸۴، ۸۹-۹۱، ۱۲۵-۱۲۷، ۱۴۲-۱۴۶، ۱۷۸-۱۸۴، ۲۷۵، ۳۰۳-۳۰۷، ۳۲۸) که در منابع دیگر کمتر بدانها پرداخته شده است، از موضوعاتی چون استفاده از شتر در جنگ‌ها، نحوه تأمین چریک، روش بلوچ‌ها در تاراج‌ها، تسعیرنامه‌ی تأمین مایحتاج کاروان‌های سیاسی که معمولاً از روستاهای مسیر تأمین می‌شد، سیل مهیب اصفهان که خسارات زیادی به شهر و حومه وارد کرد و ... آگاه شد (نک: همان، ۶۷-۶۸، ۷۲-۷۳، ۱۱۴-۱۱۸).

تحفة العالم، نوشته سیدابوطالب موسوی، در اوصاف و اخبار شاه سلطان حسین صفوی است که در ۱۱۰۶ق نوشته شده است. نویسنده با توجه به حضورش در دربار شاه سلطان حسین، از نفوذ امرا، درباریان و شاهزادگان گزارش‌های جالبی داده است (نک: موسوی، ۱۳۸۸: ۴۵، ۵۲-۵۴، ۶۲، ۶۸، ۷۱). وی از وضعیت رفاهی خوب مردم و هزینه‌های زیاد آنان برای زندگی بهتر، و نیز خوش‌پوشی آنان به ویژه روستاییان گزارش می‌دهد (نک: همان، ۸۴-۸۵، ۹۰). همچنین درباره باغ وحش اصفهان و چگونگی شکل‌گیری و دلایل برچیده شدن آن، میزان ابزار و لوازم سپاهیان در جنگ‌ها و همکاری اقوام یموت با صفویان در دفع ازبک‌ها، اطلاعات سودمندی دارد (نک: همان، ۱۳۵-۱۳۹، ۱۴۹-۱۵۰، ۱۵۳).

مجمع التواریخ، نوشته مرعشی صفوی از بازماندگان خاندان صفوی است. مؤلف کتابش را در هند، و در سه محور عمده نوشته است: ۱. بررسی دلایل سقوط صفویه، به ویژه شهر اصفهان؛ ۲. تکاپوی صفویان و طرفداران سنتی آنان از جمله قزلباشان برای احیای دولت صفوی و کسب قدرت سیاسی؛ ۳. پرداختن به وقایع حکومت سیدمحمد صدر، ملقب به شاه سلیمان ثانی (نک: مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۴-۵، ۹-۲۴، ۲۷، ۳۸-۳۹، ۴۸-۵۳، ۶۴-۶۷، ۵۷-۸۰، ۸۵-۱۴۸).

افزون بر بیان رخداد‌های دوران فتور و شورش افغانه غلزّه قندهار، نویسنده به جنبه‌های جغرافیایی و معرفی سران ایلات افغان و ازبک و دسته‌بندی‌ها و تأثیرگذاری‌های آنان پرداخته است. همچنین مؤلف، گزارش‌های مختصر، اما سودمندی از حضور فرنگیان در دریای هند و احوال ائمه عمان دارد که در نوع خود جالب است. مطالب وی درباره نحوه جمع‌آوری ایلجار^۱ و تأمین هزینه‌های سپاه و یا شیوه حرکت کاروان‌های شتر در کویر، برای

۱. واژه ترکی، به معنی اجتماع عده بسیاری از رعایا برای انجام دادن کاری.

شناخت وجوه دیگر جامعه روستایی مفید است (نک: همان، ۳۳-۴۳، ۸۷-۱۰۰، ۱۰۵، ۱۲۲-۱۲۵، ۱۳۶-۱۳۷).

۴. تواریخ محلی

تاریخ گیلان و دیلمستان، اثر سیدظهیرالدین مرعشی در اواخر قرن نهم، ظاهراً قدیم‌ترین تاریخ محلی به جا مانده درباره حکومت خاندان کیایی در گیلان و دیلمستان است. به نوشته مؤلف، کارکیا سلطان محمد دوم (حک: ۸۵۱-۸۸۳ ق) عده‌ای را به گردآوری و نوشتن رویدادهای مربوط به حکام گیل و دیلم، از پیش از حکومت کیایی و روی کار آمدن سیدامیر کیای ملاطی - بنیانگذار حکومت کیائیان گیلان (۷۶۳-۷۷۶ ق) - تا رخدادهای سال ۸۸۱ ق مأمور کرد. سپس از سیدظهیرالدین مرعشی خواست تا دست‌نوشته‌ها را تنظیم و تدوین کند (مرعشی، ۱۳۴۷: ۹-۱۰، ۳۹۶). هرچند که مبنای بخش‌بندی کتاب، ساختار حکومت و حاکمان کیایی بوده است، اما فصلی در باب رسوم مردم گیلان در میان فصول کتاب بوده که متأسفانه در تنها نسخه موجود از این کتاب حذف شده است (همان، ۱۰، ۱۲). با این حال نویسنده، درباره کشاورزی و زراعت برنج، ابریشم گیلان، محصولات باغی در ملاط، نوع معماری خانه‌های گیلان و مصالح آن، و مطالبی درباره مردم‌شناسی آن نواحی (مانند دخیل بستن بر درختان)، اطلاعات مفیدی ارائه می‌کند (همان، ۵۰-۵۱، ۷۳، ۱۱۹، ۱۴۰، ۲۱۳، ۹۸، ۱۴۰، ۱۴۴).

تاریخ خانی، تألیف شمس‌الدین علی لاهیجی است که در سال ۹۲۱ ق درباره تاریخ گیلان در زمان امرای کیایی نوشته شده است. تاریخ خانی و تاریخ گیلان و دیلمستان مرعشی (که حوادث ناحیه گیلان تا پایان ۸۹۴ ق را دربر دارد) چهارده سال با یکدیگر تداخل زمانی دارند، اما مطالب این چهارده سال در دو کتاب متفاوت منعکس شده است؛ به همین جهت احتمالاً نوشته لاهیجی باید ادامه کار مرعشی بوده باشد. تاریخ خانی، مشتمل است بر مقدمه و سه باب؛ باب اول در ۴۴ فصل درباره حوادث سال‌های ۸۸۰ تا ۹۰۹ ق، یعنی اواخر حکومت سلطان محمد کیایی (حک: ۸۵۱-۸۸۳ ق) و جانشینی کارکیا میرزاعلی کیایی؛ باب دوم در شش فصل درباره سلطنت سلطان حسن کیایی (حک: ۹۱۰ - ۹۱۱ ق) و عزل و قتل میرزاعلی و کشته شدن سلطان حسن است؛ باب سوم شرح سلطنت

خان احمد کیایی است (نک: لاهیجی، ۱۳۵۲: ۵، ۱۴، ۱۷۱-۹، ۱۷۳-۲۴۳).

این کتاب افزون بر اطلاعاتی که درباره دو خاندان مرعشی و کیایی در مازندران و گیلان و نیز مناطق تحت حاکمیت آنها دارد، آگاهی‌های ارزشمندی درباره برخی مالیات‌های محلی مثل زنه‌زَر، مرد سوارانه، سره‌زر، گاو‌ه‌زر، سرمای سخت گیلان و خرابی محصولات باغی و زراعی، کشتی گرفتن در جشن‌ها و نیز برخی آداب و رسوم گیلان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد (نک: همان، ۳، ۱۳، ۱۸۹، ۲۰۹، ۳۲۱، ۳۷۷).

شرف‌نامه، تألیف شرف‌خان بدلیسی است. پدرش شمس‌الدین از عشیره روژکی و از حاکمان بدلیس (شرق ترکیه کنونی)، بود که در جریان اختلافات و درگیریهای صفویان و عثمانی‌ها به ایران آمد. شاه تهماسب او را گرامی داشت و منطقه سراب و بعدها حکومت در آمد دارالمرز (رشت)، مراغه، دماوند، کرهرود و فراهان را به وی سپرد. شرف‌خان در ۲۰ ذی‌قعدة ۹۴۹ق، در قصبه کرهرود (محلی بین قم و همدان) زاده شد. پس از چندی، پدرش بار دیگر به فرمان شاه تهماسب به عمارت روژکی منصوب شد، اما با کناره‌گیری او، پسرش شرف‌خان به عمارت عشیره^۱ گمارده شد. او در دوره شاه اسماعیل دوم حاکم نخجوان شد، اما چون دربار صفوی را نسبت به خود بدگمان می‌دید، راه خود را برای بازگشت به دولت عثمانی - که از لحاظ مذهبی هم‌کیش وی بودند - هموار کرد. سلطان مراد سوم عثمانی، منشور ولایت بدلیس را به وی سپرد و در ۹۸۶ق همراه با چهارصد تن، که نیمی از ایشان افراد طایفه روژکی بودند، به وان رفت. ده سال همراه سپاه عثمانی در فتح شیروان، گرجستان و آذربایجان شرکت کرد و در ذیحجه ۱۰۰۵ق حکومت بدلیس را که در خاندان وی موروثی شده بود، به پسرش شمس‌الدین بیگ سپرد و خود از جریان‌های سیاسی کنار رفت (نک: بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۶۱-۳۶۰، ۴۰۷-۴۵۹).

بنا به نوشته مؤلف، محور کتاب، ابتدا ثبت وقایع مربوط به خاندان‌ها، قبایل، سلسله‌ها، امیران و بزرگان کُرد و سوانح محدوده جغرافیایی سکونت ایشان، از ابتدا تا سال ۱۰۰۵ق، و دیگر وقایع ۳۱۶ ساله عثمانی‌ها است (نک: همان، ۱/۳۰۷-۳۰۸).

کتاب افزون بر نکات مهم تاریخی دوران شاه تهماسب تا ابتدای دوره شاه عباس و از

همه مهم‌تر وقایع سرکوب خان احمد گیلانی (زمانی که نویسنده در میان سپاه شاه حضور داشته و دیده‌های خود را ثبت کرده است)، درباره مرزرداری طوایف اکراد، عداوت میان قزلباشان و لرها، دادن مرغ به روستاییان و گرفتن سود پرورش آن، جفت گاوهایی که برای کشاورزی بهره‌برداری می‌شد، و میزان طمغای ایران در دوره شاه تهماسب، اطلاعات ارزشمندی دارد (نک: همان، ۵۴-۵۳/۱، ۱۲۹، ۲۹۶-۲۹۷، ۳۱۱، ۳۵۳، ۴۵۲؛ ۲۲۵-۲۲۶، ۲۳۴-۲۳۸، ۲۵۲-۲۵۳).

احیاء الملوک، تألیف ملک‌شاه حسین سیستانی از شاهزادگان و امیران سیستانی اوایل قرن ۱۱ق است که خود را از اعقاب صفاریان به شمار می‌آورد. کتاب یک‌دوره تاریخ عمومی سیستان محسوب می‌شود و در ۱۰۲۷ق، مقارن پادشاهی شاه عباس اول، نوشته شده و به تفصیل به تاریخ سیستان از قدیم‌ترین روزگاران تا سال ۱۰۲۸ق پرداخته است. معادن و محصولات سیستان، ساختار بلوک‌های سیستان، سیل و قحطی سیستان، نارضایتی‌های بومی‌های سیستان نسبت به قزلباشان مهاجر، دعوای زمین‌داری، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ... همه از نکات مفید این کتاب است (نک: سیستانی، ۱۳۴۴: ۱۴-۱۵، ۱۸، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۴۸، ۱۵۴، ۲۵۴، ۳۲۵، ۴۱۳-۴۱۶).

تاریخ گیلان، اثر عبدالفتاح فومنی، وقایع بین سالهای ۹۲۳ تا ۱۰۳۸ق را در بر دارد. نویسنده از کارکنان دیوانی گیلان در زمان شاه عباس اول است و در کتابش به مسائل دیوانی توجه دارد (نک: فومنی، ۱۳۹۰: ۷۰، ۱۳۸-۱۵۷، ۱۶۷-۱۹۲، ۱۹۸، ۲۱۱، ۲۲۶-۲۴۷) و درباره از بین رفتن خاندان‌های محلی، که پس از سیاست خاصه‌سازی گیلان پیش آمد، مطالب مفیدی ارائه کرده است. طغیان‌های گیلانی‌ها و آسیب‌هایی که روستاها از این آشوب‌ها دیدند، عروسی‌های محلی، درآمدهای روستاها و بازارهای محلی گیلان، بازی‌ها، و مراسم سیر پنجک در کنار دریا در رودسر، از جمله مطالب ارزشمند در شناخت جامعه روستایی در این کتاب است (نک: همان، ۳۸، ۶۸، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۵۸، ۱۸۵-۱۸۶، ۱۹۷).

جامع مفیدی، نوشته مستوفی بافقی، که طی سال‌های ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۰ق نوشته شده است، از منابع سودمند تاریخ محلی است که آگاهی‌های مفیدی درباره بخش‌هایی از مرکز ایران مرهون این اثر است. مؤلف از ۱۰۷۷ق، به مدت چهار سال، مستوفی اوقاف یزد بوده

و در ۱۰۸۰ق نظارت اوقاف آن‌جا را بر عهده داشته است و از این‌رو، به مستوفی مشهور شده است (نک: مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ج ۳ (ب) ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۹، ۸۶۷، ۸۶۸).

اطلاعات کتاب در باب قنات‌های مرکزی ایران، تأثیر کمبود آب در ریخت‌شناسی روستاها و نیز بهره‌گیری از آب قنات‌ها و شیوه‌های آبیاری در یزد کم‌نظیر است. نویسنده با یادکرد برخی باغبانان و دهاقین دانا، نشان می‌دهد که دانش کشاورزی در آن زمان تا چه اندازه کاربردی بوده است. مطالبی دربارهٔ رعایای زرتشتی، نقش دولتمردان در توسعهٔ روستاها، احداث باغات و قنات، داستان ظلم مستوفیان به روستاییان و... از دیگر نکات سودمند این کتاب است (نک: همان، ج ۳ (ب) ۱۱۰، ۲۵۰-۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۴-۲۶۵، ۴۷۹-۴۸۰، ۵۰۳؛ ج ۳ (ب) ۶۹۹/۲، ۷۰۱).

میرمحمد سعید مشیزی (بردسیری)، نویسندهٔ تذکرهٔ صفویهٔ کرمان، از فضلالی کرمان در روزگار صفویه است که کتابش را در حدود سال‌های ۱۰۹۵-۱۱۰۴ق نوشته است. از او اطلاعات اندکی در دست است. بنا به مندرجات کتابش، در سال ۱۰۶۴ق مدتی از محرران دفترخانه بوده و به مالوجهات^۱ برخی نواحی رسیدگی می‌کرده است. او در سال ۱۰۷۹ق به حج رفت و در ۱۰۸۳ق منشی خاص وزیر کرمان شد. در اواخر ۱۰۹۴ق، برای پیگیری شکایت خود از غاصبان زمینش، به اصفهان رفت، اما طی چهار سال اقامت در آنجا نتوانست کاری کند. در ۱۱۰۴ق، در زمان حکومت شاه‌وردی‌خان در کرمان، او مجدداً به کار دیوانی بازگشت (نک: مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۰۱، ۵۰۳، ۶۳۹، ۶۵۲).

از نکات سودمند کتاب مشیزی می‌توان آشنایی برخی افراد با «علم فلاح و دهقنت»، اوضاع و احوال ملاکان و اعیان، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، دعوای مالکان بر سر آب، تأمین مواجب قشون از محصولات روستاها، اصطلاحات برخی مشاغل مثل «چاخو^۲» و برخی مفاهیم مرتبط دیگر، اجاره‌داری املاک، پرورش شتر، وضعیت اقلیت‌ها در کرمان و... را برشمرد (نک: همان، ۱۸۲-۱۸۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۹۰-۲۹۱، ۳۱۳، ۳۲۰، ۴۳۷، ۴۸۲-۴۸۴، ۴۴۴-۴۴۶، ۴۶۹، ۵۰۱، ۵۱۰).

۱. مالیات؛ مالی که رعایا باید بپردازند.

۲. چاه‌خو، چاه‌کن، مقتی.

صحیفه الارشاد، نوشته محمد مؤمن کرمانی است که حوادث سال‌های ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۶ق را به ترتیب هر سال بیان می‌کند. کتاب قرار بود در یک مقدمه و پنج مقاله تنظیم شود، ولی به دلیل حملات افغانه و آشفتگی اوضاع ناتمام ماند. چند جای کتاب افتادگی دارد که ظاهراً صفحات آن محو شده است. افزون بر بررسی اوضاع کرمان در پی حملات بلوچ‌ها و تاراج روستاها و شهرهای اطراف کرمان در سال‌های ۱۱۰۵ق، ۱۱۰۸-۱۱۰۹ق، ۱۱۱۱ق، ۱۱۲۳ق، ۱۱۲۵ق، و ۱۱۲۹ تا ۱۱۳۷ق، و نیز حملات افغان‌ها در پایان روزگار صفوی، در باب پرورش اسب در زرنند، سربازگیری از روستاها با عنوان چریک، محصولات کرمان، دادن بذر در خالصجات برای کشت، مالیات‌هایی مرتبط با روستاها و دامدارها و... اطلاعات سودمندی دارد (نک: کرمانی، ۱۳۸۴: ۲۳۴، ۲۶۴، ۲۶۸، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۶۸-۴۶۶).

بدایع الاخبار، نوشته میرزا عبدالنبی شیخ‌الاسلام بهبهانی، از جمله آثار ارزشمند دوره پایانی حکومت صفوی است. محتوای کتاب به چهار موضوع اختصاص دارد: نخست، آمدن محمود افغان به ایران، شکست سپاهیان شاه سلطان حسین، محاصره اصفهان و بر تخت نشینی محمود افغان؛ دوم، یورش محمود افغان به بهبهان و مقاومت سی و شش روزه مردم شهر؛ سدیگر، شرح حکومت یک و نیم ساله صفی میرزای دروغین در بهبهان؛ و چهارم، سرانجام حکومت اشرف افغان. کتاب در باب خرابی افغان‌ها در نواحی جنوب و طغیان شاهزاده‌های منتسب به صفویه و حرکت نادر و میزان سور و ساتی که باید برای سپاه او از اطراف تامین می‌شد، اطلاعات مفیدی دارد. این کتاب دارای شش پیوست درباره حمله افغان‌ها و سقوط صفویان است که دو پیوست آن، درباره وقایع خراسان، برای مطالعات تاریخ اجتماعی، به‌ویژه درباره تأثیرات مخرب حملات افغان‌ها و ازبک‌ها به روستاهای خراسان با ارزش است (نک: شیخ‌الاسلام بهبهانی، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۲۵).

واقعه وفس، سروده ملا میر محمدباقر بن میرفاضل وفسی به سال ۱۱۳۶ق، منظومه‌ای است عامیانه و فاقد ارزش ادبی، اما به لحاظ تاریخی سروده‌ای ارزشمند است و افزون بر شرح رخدادهای یورش عثمانی‌ها به همدان و نواحی اراک و آشتیان و گزارش کشتارهایی که از مردم بی‌پناه روستاها کردند، اهمیت بسزایی در شناخت جامعه روستا دارد که تا کنون کمتر به آن توجه شده است (نک: وفسی، ۱۳۴۵: ۳۳۸-۳۴۹).

۵. منابع دیوانی

تذكرة الملوك، تأليف ميرزا سميعا، از مأموران عالی مقام اواخر دوره صفوی است. مؤلف، برای راهنمایی و آشنایی افغانه با امور کشورداری، این کتاب را در سال ۱۱۳۸ق در پنج باب و یک خاتمه نوشت. باب اول، درباره مقامات مذهبی و روحانیون؛ باب دوم، امرای عظام (که لقب عالیجاه داشتند)؛ باب سوم، مقاماتی که لقب مقرب الخاقان و مقرب الحضرت داشتند و مأموران مالی؛ باب چهارم، در بیان و توضیح شغل‌ها؛ و باب پنجم، درباره عمال یا به تعبیر امروزی، ادارات مختلف پایتخت است. خاتمه کتاب نیز درباره مواجب و درآمد مأموران عالی‌رتبه دستگاه مرکزی، و تعداد سپاهیان حکام و امیران محلی و گزارشی از درآمد و هزینه‌کرد حکومت صفوی است.

هرچند برخی اطلاعات کتاب درباره برخی رسوم و اصطلاحات مالیاتی و نحوه دریافت و هزینه‌کرد آن مبهم و ناکافی است، اما معرفی بیگلربیگی‌ها و مناطق تابعه، مطالبی درباره برخی مشاغل مرتبط با جامعه روستایی، و نیز معرفی وزیر دارالسلطنه اصفهان و وظایف او، برای پاره‌ای تحلیل‌ها و کسب شناخت از ساختارهای جامعه روستایی مفید است (نک: میرزا سمیعا، ۱۳۶۸: ۱۵، ۳۱، ۴۴-۴۶، ۵۰-۵۱، ۷۲-۹۶).

القاب و مواجب دوره سلاطین صفوی، نوشته میرزا علی‌نقی نصیری، از خاندان نصیری است که در دوره صفویه امتیازات و جایگاه معتبری داشتند. این کتاب احتمالاً در ۹ طبقه (فصل) تنظیم شده، ولی اکنون به جز چند صفحه از طبقه چهارم، تنها پنج طبقه پایانی آن باقی است. اگرچه کتاب اطلاعات اندک و مبهمی درباره نظام زمین‌داری، تیول و اقطاع، خراج و دیگر مالیات‌ها دارد، و به کرات به پاره‌ای از اصطلاحات مالیاتی و زمین‌داری پرداخته است، اما درباره مأموران حکومتی که با روستاییان و ایلات و احشام مرتبط هستند (مثل ارتباطی که قورچی‌باشی^۱ با ایلات و احشامات مملکت سلطانی دارد)، قرا الوس (طایفه حشم‌نشین اطراف اصفهان)، نفت فراوان باکو، وظایف امیرآخورباشی صحرا و... مطالب مفیدی دارد (نک: نصیری، ۱۳۷۱: ۱۳، ۳۸، ۶۶، ۷۹).

۱. واژه ترکی، به معنی اسلحه‌دار.

نتیجه‌گیری

با توجه به منابعی بررسی شده، می‌توان نتیجه گرفت که هرچند در باب جامعه روستایی عصر صفوی مطالب یک‌دست و مستقل در منابع این دوره اندک است، اما می‌توان از خلال برخی رویدادها - که به نوعی مرتبط با شاه و یا ساختار حکومت است - رگه‌هایی از موضوعات و مسائل اجتماعی روستاها دریافت، از جمله:

۱. وقایع طبیعی (زلزله، سیل، بیماری‌ها، قحطی، سرمازدگی)؛ ۲. آسیب‌های انسانی (طغیان‌ها، جنگ‌های داخلی و خارجی، قتل‌عام‌ها، کوچ اجباری، اسکان‌های قومی)؛
 ۳. همکاری‌های جمعی (از جمله شکار، که روستاییان باید در آن حاضر می‌شدند، و بیگاری، که روستاییان باید در آبادانی‌های محلی از جمله راه‌سازی، سدسازی، لایروبی و... مشارکت می‌کردند. در هر دوی این موارد، فقط با حکم شاه مردم روستاها از انجام این‌گونه کارها معاف می‌شدند)؛ ۴. آگاهی از چگونگی واگذاری تیول، سیورغال و اقطاع؛
 ۵. آگاهی از جغرافیای طبیعی، اقتصادی و انسانی و نیز برخی تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی به همراه مقایسه نواحی با یکدیگر؛ ۶. آشنایی با انواع و اقسام مالیات‌ها که روستاییان باید می‌پرداختند، و ظلم مستوفیان؛ ۷. آگاهی از شیوه‌های آبیاری، سدسازی و ساخت قنات و بهره‌برداری از آن؛ ۸. آگاهی از آداب و رسوم، اعیاد و بازی‌ها و سرگرمی‌ها.
- حرکت‌های اجتماعی، تغییرات تاریخی و عادات و آداب و رسوم در خلال سده‌ها و هزاره‌ها به‌کندی صورت می‌پذیرد و تاریخ اجتماعی تحولات کوتاه‌مدت ندارد، لذا تغییرات تاریخ اجتماعی ایران، دست‌کم تا دوره پهلوی اول، نیز نادر بوده است. با توجه به این موضوع، منابع دیگری که برای شناخت جامعه روستایی مهم باشند، ولو با فاصله‌ای در حدود دو سده، می‌توانند مورد توجه قرار گیرند.

منابع

- آرام، محمدباقر (۱۳۸۶). اندیشه تاریخ‌نگاری عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- اسکندریبگ منشی (۱۳۸۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- افوشته‌ای نظنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳). نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار، تصحیح احسان اشراقی، تهران: علمی فرهنگی.

- امینی هروی، امیر صدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳). فتوحات شاهی، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۶۷). سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی‌علی‌شاه.
- بدلیسی، شرف‌خان بن شمس‌الدین (۱۳۷۷). شرف‌نامه، تصحیح ولادیمیر ولیانوف زرنوف، ج ۲، تهران: اساطیر.
- بسطامی، محمدطاهر بن حسن خادم (۱۳۸۰). فتوحات فریدونیه، تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق و محمدنادر نصیری مقدم، تهران: نقطه.
- حسینی قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۱۵). لب‌التواریخ، تصحیح سیدجلال طهرانی، تهران: خاور.
- حسینی، محمدمیرک بن مسعود (۱۳۸۵). ریاض الفردوس الخانی، تصحیح ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- خواجهگی اصفهانی، محمد بن معصوم (۱۳۶۸). خلاصه السیر، تصحیح ایرج افشار، تهران: علمی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی (۱۳۶۲). حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خورشاه بن قباد الحسینی (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه، تصحیح محمدرضا نصیری و کونیچی هانهدا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
- سابتلنی، ماریا (۱۳۷۸). «دفاع از کشاورزی: ارشاد الزراعة و نقش آن در اقتصاد سیاسی عصر صفوی»، برگ بی‌برگی، ترجمه محمدجواد مهدوی، تهران: طرح نو.
- سیستانی، ملک‌شاه حسین (۱۳۴۴). احیاء الملوک، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شاه تهماسب صفوی (۱۳۶۳). تذکره شاه تهماسب، تهران: شرق.
- شعبانی، رضا (۱۳۹۲). مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران: قومس.
- شیخ‌الاسلام بهبهانی، میرزا عبدالنبی (۱۳۸۹). بدایع الاخبار، تصحیح سیدسعید میرمحمدصادق، تهران: میراث مکتوب.
- شیرازی (نویدی)، عبدی‌بیگ (۱۳۶۹). تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی.
- شیرازی، نظام‌الدین علی (۱۳۹۳). فتوحات همایون، تصحیح حسن زندیه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/ب/۳، تهران: فردوسی.
- فومنی، عبدالفتاح (۱۳۹۰). تاریخ گیلان، تصحیح افشین پرتو، رشت: ایلیا.
- قزوینی، بوداق‌منشی (۱۳۷۸). جواهر الاخبار، تصحیح محسن بهرام‌نژاد؛ تهران: میراث مکتوب.
- قمی، قاضی احمد (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، تصحیح احسان اشراقی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- کرمانی، ملامحمد مومن (۱۳۸۴). صحیفة الارشاد، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی تهران: علم.

- لاهیجی، شمس‌الدین علی (۱۳۵۲). تاریخ خانی، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲). مجمع التواریخ، تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری و سنائی.
- مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۴۷). تاریخ گیلان و دیلمستان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰). جامع مفیدی، تصحیح ایرج افشار، تهران: اسدی.
- مستوفی، محمد محسن (۱۳۷۵). زبدة التواریخ، تصحیح بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- مشیزی (بردسیری)، میر محمد سعید (۱۳۶۹). تذکره صفویه کرمان، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- منجم یزدی، ملا جلال (۱۳۶۶). تاریخ عباسی، تصحیح سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- موسوی، سید ابوطالب (۱۳۸۸). تحفة العالم، تصحیح رسول جعفریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶). «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، تاریخ تمدن اسلامی، س ۱۳۸۶، ش ۶، ۱۴۱-۱۵۵.
- میرزا سمیعا (۱۳۶۸). تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقتی تهران: امیرکبیر.
- نصیری، محمد ابراهیم زین‌العابدین (۱۳۷۳). دستور شهریاران، تصحیح محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه احمد، مقدمه فتوحات شاهی ← امینی هروی.
- نصیری، میرزا علینقی (۱۳۷۱). القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- هروی، قاسم بن یوسف ابونصر (۱۳۴۶). ارشاد الزراعة، تصحیح محمد مشیری، تهران: دانشگاه تهران.
- وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۸۳). تاریخ جهان‌آرای عباسی، تصحیح سیدسعید میر محمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وفسی، ملا میر محمد باقر بن میرفاضل (۱۳۴۵). «واقعۀ وفس»، فرهنگ ایران زمین (ج ۱۴)، ۳۳۸-۳۴۹، تصحیح ابراهیم دهگان، تهران: سخن.